



# قطع اینترنت در ایران و تجربه جنسیتی انزوای دیجیتال

خرداد ۱۴۰۵

در چند ماه گذشته، ایران بار دیگر شاهد اختلال‌ها و قطع گسترده اینترنت بوده است. برای بسیاری از مردم داخل کشور، این دیگر رویدادی استثنایی محسوب نمی‌شود، بلکه بخشی از یک الگوی سیاسی آشناست؛ چرا که مقامات جمهوری اسلامی پیش‌تر نیز در دوره‌های ناآرامی و اعتراضات، دسترسی به اینترنت را محدود کرده‌اند. از جمله می‌توان به اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ و همچنین خیزش «زن، زندگی، آزادی» که از شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد اشاره کرد؛ در هر دو مورد، حکومت اقدام به قطع یا محدودسازی گسترده اینترنت کرد.

با این حال، آخرین موج خاموشی دیجیتال از نظر گستردگی و شدت با موارد پیشین تفاوت داشت. در نمونه‌های قبلی، قطع اینترنت معمولاً چند روز یا در نهایت چند هفته ادامه پیدا می‌کرد و کاربران به تدریج می‌توانستند از طریق وی‌پی‌ان‌ها و سایر ابزارهای دور زدن فیلترینگ دوباره به اینترنت دسترسی پیدا کنند. اما این بار، بسیاری از ایرانیان از شکل بسیار پیچیده‌تر و چندلایه‌تری از محدودیت‌های دیجیتال سخن می‌گویند: فیلترینگ شدید، اختلال در عملکرد وی‌پی‌ان‌ها، سرعت بسیار پایین اینترنت داخلی و در نتیجه مسدود شدن دسترسی به پلتفرم‌های مهم جهانی از جمله خدمات گوگل، سرویس‌های ایمیل، پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی.

از نظر فنی، اینترنت به‌طور کامل قطع نشده بود، اما برای بسیاری از کاربران عادی عملاً غیر قابل استفاده شده بود.

مقامات جمهوری اسلامی این محدودیت‌ها را با استناد به ملاحظات امنیتی توجیه کرده‌اند. به گفته آن‌ها، به‌ویژه در دوره‌های تنش‌های منطقه‌ای و شرایط جنگی، قطع یا محدودسازی اینترنت اقدامی ضروری برای مقابله با جاسوسی، خرابکاری یا نفوذ خارجی است. با این حال، بسیاری از ایرانیان، به‌ویژه با توجه به تجربه‌های مکرر خاموشی‌های اینترنتی در سال‌های گذشته، این محدودیت‌ها را بخشی از یک نظام گسترده‌تر کنترل و خاموش‌سازی دیجیتال می‌دانند.

پوشش‌های رسانه‌ای بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که در ایران نوعی نظام نابرابر در دسترسی به اینترنت شکل گرفته است. گزارش‌های متعددی درباره اینترنت موسوم به «اینترنت حرفه‌ای» یا دسترسی‌های پرسرعت و باکیفیتی که عمدتاً در اختیار کسب‌وکارها و اقشار مرفه قرار می‌گیرد، منتشر شده است. منظور از اینترنت حرفه‌ای، بسته‌های ویژه اینترنت همراه است که عمدتاً به شرکت‌ها، بازرگانان و کسب‌وکارهای بزرگ آنلاین ارائه می‌شود.

در همین حال، وی‌پی‌ان‌ها و راهکارهای دسترسی به اینترنت آزاد که همچنان کار می‌کنند، بسیار محدود، گران‌قیمت و اغلب ناپایدار هستند. این وضعیت موجب شده است که دسترسی به اینترنت در ایران، کشوری که هم‌اکنون نیز با تورم فزاینده و بحران‌های عمیق اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، بیش از پیش به یک امتیاز طبقاتی تبدیل شود و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی موجود را تشدید کند.

اهمیت این موضوع در آن است که، همانند بسیاری از نقاط جهان، دسترسی به اینترنت در ایران صرفاً مسئله‌ای مربوط به سرگرمی یا آسایش نیست. میلیون‌ها ایرانی برای کار روزمره، آموزش، حفظ ارتباطات

انسانی، سلامت روان و مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی خود به اینترنت وابسته‌اند. با این حال، این وابستگی برای همه به یک شکل تجربه نمی‌شود.

به‌ویژه برای بسیاری از زنان و افراد کوپیر در ایران، اینترنت یکی از معدود فضاهایی است که امکان برخورداری از درجه‌ای از استقلال و خودمختاری را فراهم می‌کند. محدودیت‌های رفت‌وآمد، دسترسی نابرابر به فضاهای عمومی، تبعیض در بازار کار، کنترل‌های خانوادگی و خطراتی که با آشکار بودن هویت‌های کوپیر همراه است، همگی بر نحوه استفاده از فضاهای دیجیتال تأثیر می‌گذارند. در چنین شرایطی، پلتفرم‌های آنلاین نه تنها به‌عنوان محل کار، بلکه به‌عنوان فضایی برای دوستی، گفت‌وگوی سیاسی، حمایت عاطفی، شکل‌گیری هویت و بقا و همبستگی جمعی عمل کرده‌اند.

این گزارش کوتاه با تکیه بر تجربه‌های زنان و افراد کوپیر در ایران بررسی می‌کند که چگونه قطع و محدودسازی اینترنت زندگی روزمره آنان را دگرگون می‌کند. گزارش نشان می‌دهد که محدودیت‌های دیجیتال پدیده‌ای خنثی از منظر جنسیتی نیستند و به‌طور مستقیم بر معیشت اقتصادی، سلامت روان، احساس تعلق اجتماعی و توانایی سازماندهی و کنشگری سیاسی تأثیر می‌گذارند.

### بقا و معیشت اقتصادی در عصر کار دیجیتال

زنان در ایران از پیش با موانع ساختاری گسترده‌ای در بازار کار مواجه هستند. نرخ پایین اشتغال، نابرابری دستمزدها، قوانین حجاب اجباری، فرآیندهای استخدامی مبتنی بر معیارهای ایدئولوژیک، فشارهای خانوادگی، بار سنگین کار خانگی بدون دستمزد و ناامنی در محیط‌های کاری، همگی دسترسی زنان به مشاغل پایدار و مناسب را محدود می‌کنند.

برای بسیاری از زنان و افراد کوپیر، اینترنت به فضایی تبدیل شد که امکان‌گریز نسبی از این محدودیت‌ها را فراهم می‌کرد. شمار قابل توجهی از افراد توانستند از طریق اینترنت فعالیت‌های حرفه‌ای مستقلی را در حوزه‌هایی مانند تدریس، طراحی گرافیک، ترجمه، ویراستاری، هنر دیجیتال، کسب‌وکارهای کوچک - که اغلب از خانه و از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام اداره می‌شدند - تولید محتوا و سایر اشکال کار از راه دور آغاز کنند. بسیاری از این فرصت‌ها در محیط‌های کاری سنتی و حضوری یا اساساً در دسترس نبودند یا به دلیل تبعیض‌ها و محدودیت‌های موجود دستیابی به آن‌ها بسیار دشوار بود.

ا وجود اینکه کار فریلنسری و دورکاری اغلب با بی‌ثباتی شغلی همراه است و معمولاً از حمایت‌های قانونی، بیمه و امنیت شغلی برخوردار نیست، برای بسیاری از افراد مزیتی حیاتی فراهم می‌کند: درآمد، استقلال نسبی و فاصله گرفتن از محیط‌های کاری ناامن یا فضاهای خانوادگی کنترل‌گر.

«هانی»، معلم آنلاین زبان انگلیسی ۲۷ ساله از یکی از شهرهای کوچک شمال ایران، می‌گوید قطع اینترنت ناگهان سال‌ها تلاش حرفه‌ای او را از بین برد:

«دانش‌آموزهای من از شهرهای مختلف ایران و حتی کشورهای دیگر بودند. یکباره دیگر هیچ راهی برای برگزاری کلاس‌ها وجود نداشت. دوازده سال سابقه تدریس عملاً یک‌شبه از بین رفت. قیمت‌ها به خاطر تورم مدام بالا می‌رفت، اما من دیگر هیچ درآمدی نداشتم.»

برای برخی دیگر، پیامدهای این وضعیت فراتر از از دست دادن درآمد بود.

«صوفی»، زن ۲۶ ساله‌ای که به کمک فرصت‌های شغلی مبتنی بر دورکاری از یک شهر کوچک به تهران مهاجرت کرده بود، در پی موج تعدیل نیرو ناشی از بحران اقتصادی و محدودیت‌های اینترنتی شغل خود را از دست داد. او که دیگر توان پرداخت اجاره خانه را نداشت، ناچار شد به خانه خانواده‌اش بازگردد.

«سال‌ها وقت گذاشتم تا در حرفه‌ام مهارت پیدا کنم. حالا احساس می‌کنم تمام آن تلاش‌ها به چیزی منتزاعی تبدیل شده‌اند؛ انگار هیچ‌وقت وجود نداشته‌اند.»

افراد کویبر شاغل در حوزه‌های دیجیتال اغلب از وابستگی بیشتری به کار آنلاین سخن می‌گویند. بسیاری از آن‌ها به دلیل تبعیض‌های مرتبط با ظاهر، بیان جنسیتی یا گرایش جنسی خود، از حضور در محیط‌های کاری رسمی اجتناب می‌کنند یا در آن‌ها احساس امنیت ندارند.

«مون»، یک طراح گرافیک فریلنسر کویبر، توضیح می‌دهد:

«به خاطر ظاهر و سبک زندگی‌ام، هیچ‌وقت احساس نمی‌کردم که بتوانم در ایران با امنیت به‌عنوان کارمند در یک محیط رسمی کار کنم. فریلنسری آنلاین ایده‌آل نبود، اما دست‌کم امکان بقا را برایم فراهم می‌کرد. بعد ناگهان همه چیز فرو ریخت. کارم را از دست دادم، مشتری‌هایم را از دست دادم، نمونه‌کارها و سوابق حرفه‌ای‌ام را از دست دادم، به ابزارهای طراحی و حتی پلتفرم‌هایی که از طریق آن‌ها می‌توانستم پروژه‌های جدید پیدا کنم دسترسی نداشتم. هیچ جایگزین داخلی واقعی برای این خدمات وجود ندارد.»

پیامدهای اقتصادی قطع اینترنت به‌ویژه از آن جهت شدید است که کار آنلاین در ایران از پیش نیز در شرایطی بسیار شکننده و بی‌ثبات انجام می‌شود. بسیاری از زنان و افراد کویبر فریلنسر بدون قرارداد رسمی، بیمه، حمایت‌های قانونی کار یا پشتوانه مالی فعالیت می‌کنند. در چنین شرایطی، حتی دوره‌های کوتاه اختلال اینترنتی می‌تواند به بدهی، ناامنی مسکن یا حتی ناامنی غذایی منجر شود.

برخی از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که پس از قطع اینترنت ناچار شده‌اند از دوستان خود پول قرض بگیرند یا درمان‌های پزشکی مورد نیازشان را به تعویق بیندازند، زیرا درآمدشان به‌طور ناگهانی قطع شده بود. برخی دیگر نیز گزارش داده‌اند که مشتریان خارج از ایران به دلیل ناممکن شدن ارتباطات و پاسخگویی، اعتماد خود را نسبت به آن‌ها از دست داده‌اند و همکاری‌های حرفه‌ای را متوقف کرده‌اند.

برای دانشگاهیان، هنرمندان و پژوهشگران، قطع اینترنت همچنین به معنای قطع دسترسی به خود دانش است. امروزه کتابخانه‌ها، آرشیوها، مجلات علمی و گفت‌وگوهای بین‌المللی بیش از پیش به دسترسی دیجیتال وابسته شده‌اند، به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از منابع فیزیکی محدود یا سانسور شده‌اند.

«دریا»، پژوهشگر هنر که سال‌ها به دلایل سیاسی از اشتغال رسمی در محیط‌های دانشگاهی محروم بوده است، اینترنت را بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی فکری و اجتماعی خود توصیف می‌کند:

«اینترنت به من احساس وجود داشتن در جهان را می‌داد. مطالعه، نوشتن، پژوهش، دوستی‌ها و بحث‌های سیاسی، همه چیز به فضای آنلاین گره خورده بود. باور داشتم تا زمانی که به اینترنت دسترسی داشته باشم، با وجود همه چیز هنوز می‌توانم کار کنم و با جهان در ارتباط بمانم. بدون آن، هم معیشتم را از دست دادم و هم احساس تعلقم را.»

برای دانشجویان و پژوهشگران، قطع اینترنت همچنین دسترسی به بورسیه‌های بین‌المللی، درخواست‌های پذیرش دانشگاهی و همکاری‌های حرفه‌ای را مختل می‌کند. بسیاری از صاحب‌شوندگان اشاره کردند که به دلیل غیرقابل دسترس شدن وبسایت‌ها و سرویس‌های ایمیل، مهلت ثبت‌نام برای بورسیه‌ها، کنفرانس‌های علمی یا فرصت‌های شغلی خارج از کشور را از دست داده‌اند. در کشوری که به دلیل تحریم‌ها و سانسور، انزوای علمی از پیش نیز گسترده است، محدودیت‌های اینترنتی احساس محرومیت و طردشدگی از زندگی فکری جهانی را عمیق‌تر می‌کند.

صوفی می‌گوید که امسال قصد داشت برای دانشگاه‌های خارج از کشور درخواست بدهد تا بتواند تحصیلات خود را ادامه دهد و آینده‌ای باثبات‌تر در خارج از ایران برای خود بسازد. اما قطع اینترنت در ژانویه ۲۰۲۶ و چهار ماه اختلالی که پس از آن ادامه یافت، این امکان را از او گرفت. در حالی که هنوز در تلاش بود تا دوباره به جهان خارج متصل شود، مهلت‌های ثبت‌نام یکی پس از دیگری از دست رفتند. برای او، قطع اینترنت تنها به معنای بیکاری، از دست دادن خانه، کاهش ارتباطات و ناچار شدن به بازگشت به خانه خانواده‌اش نبود؛ بلکه توانایی برنامه‌ریزی تحصیلی برای سال آینده را نیز از او گرفت و یکی از معدود آینده‌هایی را که هنوز برای خود متصور بود، از میان برد.

این تجربه‌ها نشان می‌دهند که قطع اینترنت صرفاً یک مزاحمت یا اختلال موقت نیست. این محدودیت‌ها به‌طور مستقیم استقلال اقتصادی افراد را دگرگون می‌کنند و بسیاری از زنان را ناگزیر می‌سازند به شکل‌هایی از وابستگی بازگردند که سال‌ها برای رهایی از آنها تلاش کرده بودند.



## انزوا، هویت و سلامت روان

برای بسیاری از زنان و افراد کوپیر در ایران، اینترنت همچنین یکی از محدود فضاهاى موجود برای دیده شدن و ایجاد حس تعلق به جامعه بوده است. در جامعه‌ای که هویت کوپیر می‌تواند افراد را در معرض خطرات جدی همچون خشونت، جرم‌انگاری، طرد خانوادگی یا انزوای اجتماعی قرار دهد، پلتفرم‌های آنلاین اغلب راه‌های امن‌تری برای آشنایی با دیگران، ایجاد دوستی، تبادل دانش و صحبت آزادانه فراهم کرده‌اند.

حساب‌های ناشناس، گروه‌های گفت‌وگو، حلقه‌های مطالعاتی فمینیستی، جوامع آنلاین و شبکه‌های اجتماعی این امکان را به افراد داده‌اند که درباره جنسیت، گرایش جنسی، سلامت روان و چالش‌های روزمره بقا به شیوه‌هایی گفت‌وگو کنند که در فضای آفلاین اغلب ناممکن یا بسیار دشوار است.

«سمانه»، یک زن کوپیر، توضیح می‌دهد:

«ما پراکنده و منزوی هستیم. بسیاری از ما نمی‌توانیم درباره هویت‌مان به‌طور آشکار در فضای عمومی یا حتی در خانواده‌هایمان صحبت کنیم. اینترنت جایی بود که بسیاری از ما برای نخستین بار یکدیگر را پیدا کردیم و خودمان را شناختیم. بدون آن، دسترسی به حمایت بسیار دشوارتر می‌شود. احساس دیده شدن را از دست می‌دهی.»

برای افراد کوپیر که از پیش نیز دسترسی محدودی به فضاهاى عمومی دارند، ناپدید شدن از فضای دیجیتال می‌تواند به معنای ناپدید شدن از فضای اجتماعی باشد. «متین»، یک زن ترنس ناشنوا که برادرانش در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول به کار هستند، از اینستاگرام برای فروش آثار هنری خود و دستیابی به استقلال

مالی از خانواده‌اش استفاده می‌کرد. پس از قطع اینترنت، او نگران بود که مجبور شود به محیط خانوادگی ناامنی بازگردد؛ محیطی که در آن هویت جنسیتی‌اش او را در معرض خطرات جدی قرار می‌دهد.

فراتر از هویت و دوستی، اینترنت همچنین امکان دسترسی به اطلاعاتی را فراهم می‌کند که به دست آوردن آن‌ها در فضای آفلاین دشوار یا حتی خطرناک است. منابع مرتبط با سلامت روان، نوشته‌های فمینیستی، اطلاعات مربوط به سلامت جنسی، مشاوره‌های آنلاین و گفت‌وگوها درباره جنسیت و تروما، اغلب عمدتاً از طریق شبکه‌های دیجیتال در دسترس و قابل تبادل هستند.

«شب‌نم»، یک زن ترنس، در جریان قطع اینترنت تمام ارتباط خود را با خدمات درمانی امن از دست داد. او توضیح می‌دهد:

«برای افراد LGBTQ+، گروه‌های تلگرامی و توییتر اغلب راهی بودند برای پیدا کردن کلینیک‌ها، داروخانه‌ها و پزشکان امن؛ جاهایی که در آن‌ها احساس می‌کردیم کمتر در معرض قضاوت یا ناراحتی قرار می‌گیریم. هیچ پزشک یا مرکز درمانی به‌طور آشکار اعلام نمی‌کند که برای افراد کوئیر امن است یا نه. بیشتر این فضاها همچنان مملو از کلیشه‌های قدیمی و برداشت‌های نادرست عمیق درباره جنسیت و گرایش جنسی هستند.»

«مون»، فعال و پژوهشگر کوئیر، قطع اینترنت را به منزله نابودی یک جهان فکری و عاطفی توصیف می‌کند:

«گروه‌ها و جوامعی که برای اهمیت داشتند ناپدید شدند. انگار کتابخانه‌ام ناگهان بسته شد، بدون اینکه تاریخ بازگشایی‌ای برای آن وجود داشته باشد. به خاطر ظاهر و شیوه زیستم، بسیاری از فضاهای فیزیکی از قبل هم برایم ناامن بودند. اینترنت این محرومیت را تا حدی جبران می‌کرد. اما ناگهان همه آن فضاها هم از بین رفتند.»

چندین نفر از صاحب‌هوشوندگان تجربه قطع اینترنت را با نوعی حبس و محصور شدن مقایسه کردند. برخی توصیف کردند که مدام برنامه‌های مسدودشده را باز و بسته می‌کردند، به این امید که حتی برای چند دقیقه نیز اتصال دوباره برقرار شود. برخی دیگر از حملات پانیک، بی‌خوابی و نوعی بی‌حسی عاطفی در دوره‌های طولانی قطع ارتباط سخن گفتند. برای افرادی که نزدیک‌ترین روابطشان در فضای آنلاین شکل گرفته بود، این قطع ارتباط به سکوتی ناگهانی منجر شد که به‌شدت بی‌ثبات‌کننده و آزاردهنده بود.

«دریا»، که در یک شهر کوچک زندگی می‌کند و برای ارتباطات فکری و سیاسی خود به‌شدت به شبکه‌های آنلاین وابسته است، می‌گوید:

«مردم خشونت جنگ و کشتار را درک می‌کنند. اما خشونت ناشی از قطع اینترنت نامرئی‌تر است. این خشونت روابط، کارت، هویت و توانایی مشارکت در جهان را از بین می‌برد. توضیح دادن چنین نوعی از فقدان حتی دشوار است.»

پیامدهای عاطفی قطع اینترنت به دلیل عدم قطعیت دائمی پیرامون آن تشدید می‌شود. بسیاری از افراد دیگر باور ندارند که این محدودیت‌ها موقتی باشند. صاحب‌هوشوندگان بارها از این احساس سخن گفتند که هر بحران سیاسی

آینده ممکن است بار دیگر به انزوای کامل دیجیتال منجر شود. همین انتظار دائمی، خود به منبعی از فرسودگی و اضطراب تبدیل شده است.

قطع اینترنت همچنین احساس تنهایی را برای افرادی که در محیط‌های خانوادگی محافظه‌کار یا ناامن زندگی می‌کنند تشدید می‌کند. برای بسیاری از زنان، اینترنت تنها فضایی است که در آن می‌توانند بدون ترس از مجازات درباره فمینیسم، مسائل جنسی، سیاست یا حتی ناامیدی‌ها و مشکلات روزمره خود صحبت کنند. هنگامی که این فضاها از بین می‌روند، آن‌ها ناچار می‌شوند به سکوت در خانه‌هایی بازگردند که نظارت و کنترل، از پیش نیز زندگی روزمره‌شان را شکل داده و محدود کرده است.

در غیاب این فضاها آنلاین، روایت‌های مسلط در عرصه عمومی حتی خصمانه‌تر می‌شوند. صداهای فمینیستی و کویبر از پیش در گفتمان رسمی جمهوری اسلامی حذف و انگزده شده‌اند، اما بسیاری از صاحب‌شوندگان همچنین از تجربه طردشدگی در بخش‌هایی از اپوزیسیون سیاسی نیز سخن می‌گویند. زمانی که پلتفرم‌های دیجیتال از دسترس خارج می‌شوند، بسیاری از فضا‌هایی که افراد به حاشیه رانده‌شده می‌توانند در آن‌ها با صدای خود سخن بگویند نیز از میان می‌روند.



### قطع اینترنت و سازماندهی سیاسی

در طول یک دهه گذشته، بخش بزرگی از سازماندهی فمینیستی و کنشگری‌های مردمی در ایران به پیام‌رسان‌های رمزگذاری‌شده و شبکه‌های آنلاین متکی بوده است. از این فضاها برای جمع‌آوری وثیقه برای زندانیان، مستندسازی بازداشت‌ها، انتشار اطلاعات درباره اعتراضات، گردش بیانیه‌های فمینیستی، حمایت از

خانواده‌های بازداشت‌شدگان و ایجاد ارتباط میان فعالان در شهرها و کشورهای مختلف استفاده شده است. هنگامی که اینترنت قطع می‌شود، این زیرساخت‌های شکننده تقریباً بلافاصله از هم فرو می‌پاشند.

پلتفرم‌های داخلی به دلیل نگرانی‌های مرتبط با نظارت و کنترل، از سوی بسیاری ناامن تلقی می‌شوند. برای بسیاری از فعالان، حتی تماس‌های تلفنی عادی نیز پرخطر محسوب می‌شود. این نگرانی صرفاً یک تصور ذهنی یا ترس انتزاعی نیست. در سال‌های اخیر، اتهامات علیه فعالان به‌طور چشمگیری تشدید شده و شامل اتهاماتی مانند جرایم مرتبط با امنیت ملی، همکاری با دولت‌های متخاصم و جاسوسی بوده است. فعالان زن، به‌ویژه پس از خیزش «زن، زندگی، آزادی»، با سطحی از نظارت و کنترل امنیتی مواجه شده‌اند که به‌طور ویژه شدید و گسترده بوده است.

«آزاده»، فعال حقوق زنان و حقوق کودک که پیش‌تر بیش از یک سال را در زندان گذرانده است، توضیح می‌دهد:

«افراد اعدام می‌شوند و دیگران حتی از آن باخبر نمی‌شوند. قبلاً دست‌کم می‌شد در فضای آنلاین اطلاع‌رسانی کرد که کسی فوراً به پول وثیقه یا کمک حقوقی نیاز دارد. می‌توانستیم خانواده‌های زندانیان را به وکلای مورد اعتماد یا درمانگران وصل کنیم. حالا تقریباً تمام ارتباطاتمان را از دست داده‌ایم. و هر روز صبح بیدار می‌شوم و می‌بینم زندانیان سیاسی اعدام می‌شوند و هیچ کاری از دست ما بر نمی‌آید.»

«فرا»، از فعالان باسابقه فمینیست، لحظه‌ای را در جریان اعتراضات ژانویه به یاد می‌آورد که فردی بر اثر اصابت گلوله جنگی به مراقبت فوری پزشکی نیاز داشت. به دلیل قطع اینترنت، برقراری ارتباط امن با پزشکان تقریباً ناممکن شده بود:

«در نهایت مجبور شدم مستقیماً تماس تلفنی بگیرم، در حالی که می‌دانستم این کار می‌تواند من، پزشک و فرد مجروح را در معرض نظارت و رصد امنیتی قرار دهد. اما جان یک انسان در خطر بود.»

برای شبکه‌های فمینیستی، محدودیت‌های اینترنتی نه تنها ارتباطات، بلکه خود فرآیند شکل‌گیری و سازماندهی سیاسی را نیز مختل می‌کنند.

گزارش‌ها درباره بازداشت‌ها، وضعیت زندان‌ها، خشونت مبتنی بر جنسیت، زن‌کشی، خشونت خانگی و خشونت دولتی، اغلب نخستین بار از طریق شبکه‌های غیررسمی دیجیتال مستندسازی و منتشر می‌شوند. زمانی که این کانال‌ها از بین می‌روند، روند مستندسازی کند شده یا به‌طور کامل متوقف می‌شود.

فرا همچنین از فقدان هماهنگی عاطفی و انسانی در زمان بحران‌ها سخن می‌گوید. در جریان اعتراضات و موج‌های بازداشت، ارتباطات آنلاین اغلب راهی برای اطمینان از این است که دوستان زنده هستند، بازداشت شده‌اند، مجروح شده‌اند یا ناپدید شده‌اند. بدون دسترسی به اینترنت، دامنه عدم قطعیت به‌سرعت گسترش می‌یابد. خانواده‌ها برای یافتن اطلاعات با دشواری بیشتری روبه‌رو می‌شوند، شایعات آسان‌تر منتشر می‌شوند و در نتیجه ترس و اضطراب شدت می‌گیرد.

در جریان سرکوب‌های پیشین، از جمله اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و ناآرامی‌های ژانویه ۲۰۲۶، خاموشی‌های ارتباطی مانع از انتشار تصاویر، شهادت‌ها و آمار قربانیان شد. فعالان داخل ایران این وضعیت را صرفاً نوعی سانسور نمی‌دانند، بلکه آن را شکلی از انزوا و جداسازی می‌دانند که آگاهانه و عمدانه در لحظات بحرانی و هراس عمومی بر جامعه تحمیل می‌شود.

### اینترنت؛ زیرساختی برای بقا

در بسترهای اقتدارگرا و از نظر سیاسی بسته مانند ایران، جایی که تجمعات عمومی با خطرات جدی همراه است و رسانه‌های مستقل به شدت محدود شده‌اند، اینترنت به چیزی فراتر از یک ابزار فنی تبدیل می‌شود.

برای زنان، افراد کوپیر، دگران‌دیشان، پژوهشگران، هنرمندان و کارگران دارای وضعیت شغلی ناپایدار، اینترنت به بخشی از زیرساخت بقا تبدیل می‌شود. فضاهای آنلاین به افراد امکان می‌دهند شبکه‌های حمایتی ایجاد کنند، زبان و گفتمان سیاسی خود را به اشتراک بگذارند، به صورت جمعی سازماندهی شوند، به دانش دسترسی پیدا کنند، درآمد کسب کنند و اشکالی از تداوم و پایداری عاطفی را حفظ کنند. این مسئله به‌ویژه برای کسانی اهمیت دارد که از مشارکت برابر در زندگی عمومی از پیش محروم شده‌اند.

بنابراین، قطع اینترنت را نباید صرفاً به‌عنوان یک مشکل ارتباطی در نظر گرفت. این محدودیت‌ها شکلی از خشونت زیرساختی هستند.

این محدودیت‌ها دسترسی به کار را محدود می‌کنند، شبکه‌های حمایت اجتماعی را مختل می‌سازند، وابستگی اقتصادی را تشدید می‌کنند، سازماندهی سیاسی را تضعیف می‌کنند و جوامعی را که از پیش به حاشیه رانده شده‌اند، منزوی‌تر می‌سازند. پیامدهای این محدودیت‌ها برای همه یکسان نیست. گروه‌هایی که از موقعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری برخوردارند، اغلب همچنان به اشکال جایگزین دسترسی و امکان جابه‌جایی دسترسی دارند. اما زنان، افراد کوپیر، کارگران با وضعیت شغلی ناپایدار و جوامع به حاشیه رانده‌شده سیاسی، این محدودیت‌ها را به مراتب شدیدتر تجربه می‌کنند.

در عین حال، قطع اینترنت تعیین می‌کند که کدام صداها در عرصه عمومی قابل مشاهده باقی بمانند. زمانی که شبکه‌ها و فضاهای فمینیستی و کوپیر از گفت‌وگوهای عمومی حذف می‌شوند، روایت‌های مسلط بیش از پیش تثبیت می‌شوند. گفتمان رسمی حکومت، روایت‌های زن‌ستیزانه، تبلیغات ملی‌گرایانه و دیگر گفتمان‌های مبتنی بر حذف، خلأ ایجادشده را پر می‌کنند. از این منظر، محدودیت‌های اینترنتی صرفاً به کنترل اطلاعات مربوط نمی‌شوند؛ بلکه به کنترل دیده‌شدن، احساس تعلق و امکان شکل‌گیری زندگی جمعی نیز مربوط هستند.

تمام این موارد در نهایت به وضعیتی منجر می‌شود که می‌توان آن را نوعی گسست از جهان بیرون و شکلی از زندان جمعی توصیف کرد؛ وضعیتی که «مون»، که به دلیل آثار هنری فمینیستی خود یک سال را در زندان گذرانده است، آن را به شکلی گویا بیان می‌کند:

«در زندان، هر وقت با کسی تلفنی صحبت می‌کردم، احساس می‌کردم هیچ‌کس واقعاً نمی‌تواند آنچه را که من تجربه می‌کنم درک کند. امروز هم وقتی با افرادی خارج از ایران صحبت می‌کنم، همان احساس را دارم. انگار دوباره زندانی شده‌ام. زندگی برای دیگران به‌طور عادی ادامه دارد، در حالی که برای من زمان بی‌پایان کش می‌آید. این دو زمان‌مندی هیچ‌وقت با هم منطبق نمی‌شوند؛ درست همان‌طور که در زندان هم نمی‌شدند. امروز شاید از زندان آزاد باشم، اما این گسست و بیگانگی از جهان بیرون را حتی شدیدتر احساس می‌کنم. انگار نود میلیون نفر هر کدام در یک سلول انفرادی گرفتار شده‌اند و روزبه‌روز آرام‌آرام فرسوده می‌شوند.»



- X FemenaNet
- f FemenaNet
- @ FemenaNet
- ▶ FemenaNet
- www.femena.net

Femena works with partners to promote gender equality, inclusion, and peace; expand civic space; strengthen civil society and WHRD resilience; visibilize the work of WHRDs and progressive feminist movements; and foster solidarity and south-south cooperation in the South-West Asia and North Africa (SWANA) region. Femena's work is particularly focused on contexts, experiencing crisis, conflict, authoritarianism and closing civic space.